

راهبرد موازنه‌گرایی هند در تعامل با ایران و آمریکا

مسعود موسوی شفايي *

سعیده اسکندری **

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تاثیر راهبرد موازنه‌گرایی عملگرایانه هند بر دیپلماسی این کشور در قبال ایران و ایالات متحده آمریکا است. رشد اقتصادی بالای هند، در سال‌های اخیر این کشور را به یک الگوی موفق در عرصه توسعه اقتصادی تبدیل کرده است. بسیاری از ناظران بر این باورند که سیاست خارجی عملگرایانه این کشور، نقش مهمی در تسهیل روند رشد اقتصادی‌اش ایفا کرده است. به کارگیری راهبرد موازنه‌گرایی در برابر ایران و آمریکا به عنوان دو رقیب منطقه‌ای و بین‌المللی یکی از نمودهای این رویکرد عملگرایانه هند است. بر این اساس در پژوهش حاضر با استفاده از روش تبیینی-تحلیلی درصد پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که «هند چگونه توانسته به‌رغم وجود اختلافات گسترده ایران و آمریکا پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، منافع ملی خود را در قالب تعامل سازنده با

*. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول: Shafae@modares.ac.ir).

** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۰
فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره بیستم، صص ۱۲۱ - ۹۷.

هر دو طرف منازعه تعریف کند؟» فرضیه پیشنهادی برای پرسش در نظر گرفته شده این است که «در دهه اخیر هند تلاش کرده تا با راهبردی موازنه‌گرایانه، از اختلافات بین ایران و آمریکا در جهت منافع خود استفاده نماید و از این طریق با هر دو کشور تعامل خوبی را برقرار نماید» نتیجه مقاله نیز نشان می‌دهد که راهبرد موازنه‌گرایی هند در رابطه با ایران و آمریکا تا اندازه زیادی راه را برای ارتقاء این تعاملات فارغ از هر گونه اختلافی تسهیل نموده و به گونه‌ای موجب شده تا هند در مسیر رشد و توسعه اقتصادی‌اش از هر دو آنها به صورت هم‌زمان امتیازاتی را بگیرد و نقش یک موازنه‌گر را به خوبی ایفا نماید.

واژه‌های کلیدی: هند، ایران، ایالات متحده آمریکا، راهبرد موازنه‌گرایی، عملگرایی اقتصادی.



پیشرفت قابل ملاحظه هند در زمینه‌های گوناگون موجب شده تا در دهه اخیر به عنوان قدرتی نوظهور در جنوب آسیا معرفی شود. روند رو به رشد و توسعه هند در حال حاضر نیز به سرعت در حال افزایش است. اکنون هند پس از چین، دومین کشور در سطح جهان با رشد سریع اقتصادی است، سومین ارتش دنیا را داراست و یکی از شش قدرت هسته‌ای جهان به شمار می‌رود. از منظر سیاسی نیز به عنوان یکی از کشورهای است که در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مهمی به عضویت رسمی پذیرفته شده و به جایگاهی دست یافته که حتی در سال‌های اخیر خواهان کرسی عضویت دائم در شورای امنیت بوده است (Joseph, 2011: 109). در جریان این روند رو به رشد و توسعه هند، نمی‌توان نقش مناسبات این کشور با جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و آمریکا در سطح بین‌المللی را نادیده گرفت.

در پی حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، رهبران هند با کاهش نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی زمینه تحول در روابط خود با سایرین را فراهم کردند و به همین خاطر روابط هند و آمریکا از اواخر دوران ریاست جمهوری کلینتون و اوایل ریاست جمهوری بوش وارد مرحله جدیدی شد. از این زمان آمریکا به اقداماتی مانند لغو تحریم‌ها، فراهم‌سازی زمینه همکاری‌های مشترک در حوزه تکنولوژی‌های پیشرفته، حمایت سیاسی از مبارزات هند علیه تروریسم و پایان بخشیدن به حمایت طولانی‌مدت از موضع پاکستان در برابر کشمیر دست زد (کولایی و واعظی، ۱۳۹۰: ۱۳).

از سوی دیگر، هند با پیگیری سیاست نگاه به شرق، گسترش روابط خود با همسایگان شرقی را نیز در اولویت سیاست خارجی‌اش قرار داد و در روند همگرایی آسیایی نقش متفاوتی را ایفا کرد. در این راستا، مقامات هندی از برقراری رابطه با ایران نیز تعریف

جدیدی ارائه کردند. امنیت انرژی، بحران پاکستان، اتخاذ سیاست‌های همسو در افغانستان، تمایل هند برای دسترسی آسان به بازارهای آسیای مرکزی و مولفه‌های مهم دیگری به عنوان سرفصل‌های اصلی شکل‌گیری و گسترش روابط دو کشور مطرح شد. نزدیکی جغرافیایی با ایران، منابع فراوان انرژی و جایگاه ویژه این کشور در ژئوپلیتیک خلیج فارس، موجب شد تا مقامات هندی در پیاده‌سازی سیاست‌های آسیایی و خاورمیانه‌ای خود نگاه ویژه‌ای به ایران داشته باشند و آن را به عنوان کشوری در نظر بگیرند که می‌تواند در جریان پیشروی‌های اقتصادی هند در برابر رقبای منطقه‌ای این کشور نقش مهمی را در زمینه‌های مختلف ایفا نماید.

با این وجود، یکی از عوامل مهمی که در سال‌های اخیر در روند ارتباطات هند تاثیر به‌سزایی داشته، گسترش مناقشات هسته‌ای ایران و آمریکا و به تبع آن سایر اختلافات دیگر بین دو کشور بوده است. غرب به دنبال سیاست‌های امنیتی خود پس از ۱۱ سپتامبر، همواره تلاش نموده تا به طرق مختلفی فعالیت‌های هسته‌ای ایران را ناقض روند صلح و امنیت بین‌المللی معرفی نماید و از این طریق حضور ایران و ارتباطاتش را با سایر کشورهای دیگر جامعه بین‌الملل نیز محدود نماید (Afrasiabi and Maleki, 2002: 4). هند به عنوان یکی از شرکای اصلی آمریکا در این راه، خود را ملزم به تطبیق سیاست‌هایش با خط‌مشی آمریکایی ندانسته و با وجود افزایش تعاملات سازنده‌اش با غرب در تلاش است تا بدون تاسی از سیاست‌های غرب تعاملاتش با جمهوری اسلامی ایران را تنها بر اساس منافع خود و نه منافع غربی تعریف نماید. در اصل هند تلاش کرده تا همچون بازیگری موازنه‌گر در برابر ایران و آمریکا عمل نماید؛ به این ترتیب که علاوه بر همکاری، در قبال اختلافات حاکم بر دو کشور نیز تنها با اولویت قراردادن منافع داخلی خود، به گونه‌ای عمل نماید که از هر دو طرف امتیازاتی را دریافت نماید و از این طریق قدرت مانور منطقه‌ای و بین‌المللی خود را بالا ببرد.

می‌توان بیان نمود که سیاست خارجی هند اکنون به گونه‌ای انتخاب شده است که تهدیدات و اختلافات آمریکا و ایران در چشم مقامات هندی به عنوان فرصتی سازنده و بی‌نظیر برای کسب امتیازاتی روبه جلو محسوب می‌شوند. این مساله که هند چگونه با به کارگیری یک سیاست خارجی هوشمندانه به حفظ همزمان روابط گسترده با هر دو کشور ایران و آمریکا پرداخته و منافع حاصل از ارتباط با هر طرف را فدای مخالفت‌های طرف

دیگر نکرده، بسیار حائز اهمیت است. به همین خاطر هدف اصلی پژوهش حاضر واکاوی مثلث ایران، هند، آمریکا و بررسی چگونگی عمل کرد موازنه‌گرایانه هند در تعامل با این دو کشور در دهه اخیر است.

پژوهش‌های زیادی در زمینه شکل‌گیری روابط هند با ایران و آمریکا صورت گرفته است که هر یک به ابعاد خاصی از چرایی و چگونگی این روابط پرداخته‌اند. به طور کلی پژوهش‌هایی که امروزه در این حوزه صورت گرفته است را می‌توان در دو دسته قرار داد: دسته اول این پژوهش‌ها به بررسی رابطه ایران و هند و اهمیت حفظ این رابطه برای دو کشور پرداخته‌اند و دسته دیگر چگونگی و چرایی رابطه هند و آمریکا و اهمیت این رابطه برای هر دو طرف را مورد توجه قرار داده‌اند.

اوما پروشودامان در مقاله‌ای تحت عنوان «سایه آمریکا بر روابط ایران و هند» مطرح می‌کند که تلاش‌های ایران و هند به منظور گسترش روابط بین دو کشور، تاثیر زیادی بر شکل‌گیری سیاست‌های خارجی آمریکا داشته است. آمریکا به دنبال این هدف است تا با دادن امتیازاتی به هند بر سیاست‌های این کشور در قبال ایران تاثیر بگذارد. نویسنده مهم‌ترین ابزار آمریکا در این زمینه را خط لوله صلح بین ایران و پاکستان و هند، تحریم‌های هسته‌ای و عدم بازپرداخت طلب صادرات نفتی ایران را معرفی می‌کند (Purushothaman, 2012).

ساموئل راجیو در مقاله‌ای تحت عنوان «هند و موضوع هسته‌ای ایران» مطرح می‌کند که تعاملات هسته‌ای هند با ایران تحت تاثیر سه مولفه اصلی قرار دارد: حفظ «استقلال استراتژیک» هند در برابر تصمیم‌گیری‌های سیاست هسته‌ای ایران، حفظ «ثبات استراتژیک منطقه‌ای» که بر امنیت ملی هند تاثیرگذار خواهد بود و تاکید بر مفهوم «امنیت ملی» در برابر گسترش شبکه‌های تروریستی در منطقه. نویسنده مدعی است که تمامی این مولفه‌ها تحت تاثیر و نفوذ آمریکا بر سیاست‌گذاری‌های هند در رابطه با ایران قرار دارند. (S. Samuel and C. Rajiv, 2011).

هارش وی. پنت در مقاله‌ای تحت عنوان «موازنه مطلوب: حرکت ماهرانه هند در بین ایران و آمریکا» اشاره می‌کند که هند در تلاش است تا از تعارض و تضاد بین سیاست‌های داخلی‌اش و منافع استراتژیکی که با ایران دارد جلوگیری کند. نویسنده مدعی است در عین حال که افزایش روابط هند و آمریکا در سال‌های اخیر، روابط هند با ایران را کم‌رنگ

کرده است؛ روابط دیرینه هند با ایران نیز چگونگی رابطه این کشور با آمریکا را تحت تاثیر قرار داده است. هند در تلاش است تا به عنوان یک موازنه‌گر در روابط با آمریکا و ایران عمل نماید (Harsh V. Pant, 2009).

کتاب سیاست خارجی هند از رضا سیمبر، سجاد بهرامی مقدم و مهدی زیبایی به بررسی تحولات گسترده سیاست خارجی هند می‌پردازد و بیان می‌کند که این تحولات موجب پدیدارشدن دولت هند به منزله یک قدرت نوظهور شده است. نویسنده سعی کرده است تا با بررسی مناظره‌های درونی سیاست خارجی، تحول تاریخی سیاست خارجی هند و عوامل اثر بخش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک بر آن را بررسی نماید. بررسی نوع نگاه و سیاست‌های هند نسبت به شرق و غرب و همچنین شمال از دیگر موضوعاتی است که نویسنده به صورت مفصل طرح کرده و در نهایت نیز سیاست خارجی هند را نسبت به ایالات متحده، روسیه، اتحادیه اروپا، ژاپن و چین بررسی کرده است و به تحولات سیاست خارجی این کشور در برابر ایران پرداخته است (سیمبر و دیگران، ۲۰۱۵).

محسن شریعتی‌نیا در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط ایران و هند: واکاوی نگاه هندی» از دو دسته عوامل توسعه‌بخش و محدودیت‌ساز در شکل‌گیری روابط ایران و هند صحبت می‌کند. وی بحث امنیت انرژی، منافع و تهدیدات مشترک ایران و هند در افغانستان، ایران به عنوان پلی میان هند و آسیای مرکزی و اشتراکات فرهنگی و تمدنی دو کشور را از عوامل توسعه‌بخش روابط ایران و هند معرفی می‌کند و از طرف دیگر آمریکا و تحریم‌های شورای امنیت، بحران در برنامه هسته‌ای ایران، فعالیت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، تعارضات منافع دو کشور را از عوامل محدودیت‌ساز در روابط دو کشور معرفی کرده است (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۲).

امیر نیاکوئی و سجاد بهرامی مقدم نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «روابط ایران و هند: فرصت‌ها و محدودیت‌ها» به این موضوع می‌پردازد که روابط ایران و هند در باب انرژی تاثیر گسترده‌ای بر منافع آمریکا، اسرائیل و اعراب حوزه خلیج فارس برجای گذاشته و به این خاطر محدودیت‌هایی را برای ارتباط دو کشور ایجاد کرده است. در نهایت نویسندگان مطرح می‌کنند که رویکردهای متفاوت دو کشور نسبت به منافع ملی تا حدود زیادی همکاری مشترک را دشوار ساخته است. نویسنده مهم‌ترین مانع بهبود و گسترش روابط بین ایران و هند را ایالات متحده آمریکا معرفی می‌نماید.

با توجه به بررسی بعضی از این آثار، مقاله حاضر سعی می‌کند تا موازنه‌گرایی هند در برقراری رابطه با ایران و آمریکا و چگونگی عملکرد این کشور در این راستا را مورد بررسی قرار داده و مولفه‌های راهبرد موازنه‌گرایی هند در قبال ایران و آمریکا را تبیین کند. راهبرد موازنه‌گرایی عمل‌گرایانه به عنوان متغیر مستقل و تعامل متوازن هند با ایران و آمریکا به عنوان متغیر وابسته پژوهش مطرح می‌شود، سوال در نظر گرفته شده برای پژوهش حاضر نیز این است که هند چگونه توانسته به‌رغم وجود اختلافات گسترده ایران و آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، منافع ملی خود را در قالب تعامل سازنده با هر دو طرف منازعه تعریف کند و از دل اختلافات دو کشور، فرصت‌های استثنایی را برای رشد و توسعه خود خلق نماید؟ در پاسخ به سوال مطرح شده، فرضیه پیشنهادی این است که در دهه اخیر هند تلاش کرده تا از دل سیاست‌های عمل‌گرایانه خود، راهبردی موازنه‌گرایی را برای تعاملات با ایران و آمریکا انتخاب نماید، از اختلافات بین دو کشور در جهت تامین منافع خود استفاده نماید و از این طریق با هر دو کشور تعامل خوبی را برقرار نماید. در راستای تایید فرضیه مطرح شده، مقاله حاضر با انتخاب راهبرد موازنه‌گرایی عمل‌گرایانه به عنوان چهارچوب مفهومی پژوهش و با استفاده از روش تبیینی و تحلیلی در صدد پاسخ‌گویی به سه سوال اصلی خواهد بود: ۱. سیاست خارجی موازنه‌گرایانه هند دارای چه مولفه‌هایی است؟ ۲. روند روابط هند با آمریکا و ایران پس از یازده سپتامبر و در جریان برنامه هسته‌ای ایران به چه صورت بوده است؟ ۳. هند چگونه توانسته است در سال‌های اخیر با وجود اختلافات ایران و آمریکا منافع ملی خود را در قالب تعامل با هر دو طرف تامین کند؟

۱. چهارچوب مفهومی

مقاله حاضر راهبرد موازنه‌گرایی در چهارچوب سیاست‌های عمل‌گرایانه را برای بررسی موضوع مطرح شده در نظر گرفته است. این انتخاب بر اساس نوع فعالیت و عمل کرد سال‌های اخیر هند در برابر ایران و آمریکا بوده است. برای بررسی هر چه بهتر این مفهوم ابتدا به صورت مختصر به بررسی مفهوم فلسفی عمل‌گرایی می‌پردازیم و به طور مفصل این مفهوم را در عرصه بین‌الملل مورد توجه قرار خواهیم داد.

۱-۱. ابعاد فلسفی عمل‌گرایی

از نظر فلسفی عمل‌گرایی یا پراگماتیسم مفهومی با ریشه آمریکایی است که از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم مطرح و به مرور زمان از سوی اندیشمندان مختلفی مورد توجه قرار گرفت. چارلز پیرس، جان دیویی و ویلیام جیمز از صاحب‌نظران اصلی این فلسفه بودند (Brahmbhatt, 1996: 45)، که به مرور زمان ابعاد بیشتری از این مفهوم را بررسی کردند. عمل و انجام کار اولویت اصلی فلسفه عمل‌گرایی محسوب می‌شود. عمل‌گرایان در تلاش هستند تا همچون واقع‌گرایان و بر خلاف باور آرمان‌گرایان به آنچه که در عالم واقع وجود دارد، بها دهند و باورهای خود را با تکیه بر دستاوردهای عینی و نه ذهنی شکل دهند (Barnes, 2008: 15-24).

تجربه‌گرایی، منفعت‌گرایی، عینیت‌گرایی، ابزارانگاری و واقع‌گرایی بنیان‌های اصلی راهبرد عمل‌گرایی را تشکیل می‌دهند. آنها بر این باورند که انسان ظرفیت عظیمی برای تغییر به منظور رسیدن به وضعیتی مطلوب و در جهت اهداف خود خواهد داشت و این موضوع می‌تواند به دولت در رسیدن به پیشرفت کمک عظیم و قابل توجهی نماید (Bauer and Brigh, 2009: 4)

۱-۲. عمل‌گرایی در عرصه روابط بین‌الملل

در عرصه سیاست خارجی نیز، عمل‌گرایان بر این باور هستند که سیاست خارجی حلقه ارتباط یک کشور با محیط بین‌المللی است. در صورت ضعف این ارتباط، اساساً امکان پیشبرد اهداف توسعه‌ای هر کشور در جهان امروز میسر نیست. از این جهت سیاست خارجی را می‌توان عمل‌گرایی دانست که مبتنی بر اصول سودمندی، قابل‌تحقق و عملی بودن ایده‌ها و سیاست‌ها باشد (Gardini Limber, 2011: 17).

رویکرد عمل‌گرایی در سیاست خارجی با پذیرش واقعیت‌های موجود، به دنبال استفاده حداکثری در راستای منافع خود می‌باشد. سه اصل کلی این رویکرد شامل پذیرش نظم موجود بین‌المللی، واقعی و معقول بودن منافع و هزینه‌ها و توانایی در تحقق اهداف مورد نظر است (Bhat, 2011: 24). سیاست خارجی عمل‌گرا مستلزم تعیین و تعریف اهداف بر پایه واقعیت‌های نظام بین‌المللی، اولویت‌یافتن توسعه اقتصادی بر ایدئولوژی، تقدم توسعه ملی و رفاه شهروندان بر سایر اهداف است (تیشه‌یار، ۱۳۹۲: ۱۳).

بر این اساس، باید گفت کشوری با سیاست خارجی عمل‌گرا همواره تلاش می‌کند تا با پرهیز از تنش و تقابل در نظام بین‌المللی، از ورود جدی به مناقشات و درگیری‌هایی که با منافع حیاتی کشورش تقابل نداشته باشد، جلوگیری کند. ادغام در اقتصاد جهانی و استفاده حداکثری از ظرفیت نهادهای بین‌المللی در راستای توسعه کشور و جلوگیری از تصمیمات شخصی و رادیکال از اهداف اصلی سیاست خارجی عمل‌گرایانه به شمار می‌آید (Miller, 2013: 33).

۳-۱. راهبرد موازنه‌گرایی عمل‌گرایانه

به طور کلی موازنه‌گرایی یک سیاست چندبعدی گسترده در عرصه‌ی روابط بین‌الملل به حساب می‌آید که دارای ابعاد متعدد امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک می‌شود. به کارگیری راهبرد موازنه‌گرایی در سیاست خارجی یک کشور حداقل نیازمند برقراری و گسترش رابطه با دو منطقه و یا دو قطب جدا و مخالف از هم است که در زمینه‌های مشترکی دارای اختلاف نظر گسترده هستند (Sutter, 2013: 10). این زمینه در بسیاری از موارد بعضی از دولت‌ها نسبت به سایرین نقش مهمی در زمینه همکاری و مذاکره با سایرین بازی می‌کنند و بنابراین نفوذ بیشتری بر نتایج و عرصه‌ی نظام بین‌الملل دارند. هم‌چنان که می‌توانند به آسانی در چارچوب منافع خود بین دو قطب مخالف یکدیگر توازنی منطقی و عمل‌گرایانه برقرار سازند. این سیاست بیشتر تحت تاثیر ظرفیت‌های اقتصادی و نظامی کشورهای موازنه‌گر قرار دارد. (Flemes, 2007: 18)

قدرت موازنه‌گر تلاش می‌کند تا در به کارگیری موازنه و رسیدن به توسعه ملی در ارتباط با سایر قدرت‌ها یا از موازنه نرم و یا موازنه سخت استفاده نماید. در موازنه نرم بیشترین تاکید بر ابزار غیرنظامی به خصوص قدرت اقتصادی می‌شود. در این حالت موازنه‌گر تلاش دارد تا از طریق افزایش همکاری با قدرت‌های بزرگ اقتصادی قدرت خود را در مجامع بین‌المللی افزایش دهد (Sutter, 2013: 83). به طور کلی در چارچوب موازنه‌گرایی عمل‌گرایانه سعی بر این می‌شود تا در رابطه با هر کشوری به طور فزاینده‌ای منافع ملی در صدر اولویت‌های آن کشور قرار بگیرد و از این طریق عرصه بین‌المللی را نیز برای دستیابی به اهداف خود تغییر دهد تا به وضعیت مطلوب خود برسد (Rydenfelt, 2008: 17).

به این ترتیب، بر اساس راهبرد موازنه‌گرایی عمل‌گرایانه هدف اساسی سیاست‌های یک کشور افزایش همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در راستای رسیدن به منفعت بیشتر است. کشور مورد نظر از الگوی موازنه‌سازی برای تضمین ثبات، امنیت و ارتقاء جایگاه بازیگری خود بهره می‌جوید و در تلاش است تا روابط خود را در سطح بین‌المللی با قدرت‌های بزرگ و سایر شرکاء و دوستان آنها در عرصه سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی افزایش دهد.

در ادامه از چشم‌انداز مفهوم عمل‌گرایایی به بررسی فرصت‌های همکاری هند با ایران و آمریکا می‌پردازیم و سپس از چارچوب راهبرد موازنه‌گرایی عمل‌گرایانه نوع عمل کرد هند را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

۲. عملگرایی و تحول در سیاست خارجی هند

۲-۱. سیاست خارجی نهروئیسم

از دهه ۱۹۹۰، هند با درک این موضوع که تداوم سیاست‌های ایدئولوژیکی، ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکره اقتصاد کشور و در نهایت جایگاه بین‌المللی آن وارد کرده است، از ایدئولوژی‌گرایی به سمت اتخاذ رویکردهای عمل‌گرایانه حرکت کرده است. در اصل سیاست خارجی هند به سمتی حرکت کرد که منافع ملی‌اش تامین شود.

یکی از اهداف مهم هند از زمان استقلال این کشور نیل به توسعه و نوسازی بوده است. از آن زمان این باور در ذهن رهبران و مقامات سیاسی هند شکل گرفت که برای برخورداری از وجهه قابل قبول در جامعه بین‌المللی و رشد و پیشرفت اقتصادی می‌بایست تغییرات اساسی در نوع نگرش این کشور ایجاد شود، این باور به مرور زمان تقویت شد (Appadorai, 1949: 50) و اکنون نیز بیشتر از هر زمان دیگری مورد تایید مقامات هندی قرار گرفته است.

هند از بدو استقلال خود در سال ۱۹۴۷ تا اواخر دهه ۱۹۸۰ سیاست خارجی جهان‌سوم‌گرایانه‌ای را در پیش گرفته بود، عدم تعهد، خودبستگی اقتصادی، مبارزه با استعمار، مبارزه با امپریالیسم و تلاش برای همبستگی جهان سوم از مشخصه‌های آن محسوب می‌شد. در این دوره اجماع نهروئیسم به خوبی بر سیاست خارجی هند غلبه پیدا کرده بود (Ahlwalia, 2002: 70).

پژوهشگران سیاست خارجی هند از سیاست خارجی این دوره و فراتر از آن تا سال ۱۹۹۱ غالباً با عنوان نهروئیسم یاد می‌کنند. در اصل از سال‌های استقلال هند جواهر لعل نهرو، نخست‌وزیر هند سیاست عدم تعهد را در پیش گرفت. دکتربین نهرو در سیاست خارجی فراتر از اصل عدم تعهد بود که تا سال ۱۹۹۱ بر کشور غالب شده بود و به عنوان اجماع نهروئیسم شناخته می‌شد (Berlin, 2004: 5). اجماع نهروئیسم سه مشخصه اصلی داشت: خودبستگی اقتصادی بر پایه استراتژی جایگزینی واردات، سکولاریسم سیاسی و عدم تعهد. این سیاست خارجی جهان سوم گرایانه از سال ۱۹۸۰ وارد دگرگونی اساسی شد.

۲-۲. تغییر و تحول در سیاست خارجی هند پس از نهروئیسم

به دلیل وجود چنین احساس نیازی به تغییرات اساسی بود که الگویی که اکنون هند در عرصه بین‌المللی به کار می‌برد کاملاً متفاوت از الگوهای پیشینی است که تحت عنوان نهروئیسم به کار گرفته می‌شد (Kohli, 1989: 308). پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به دلیل شرایطی که بر جامعه بین‌المللی حاکم شد هند دچار نوعی تحول گسترده شد. در این زمان مقامات هندی تشخیص دادند که الگوی کنونی حاکم بر سیاست‌های کشور نمی‌تواند شرایطی را فراهم آورد تا هند نیز در عرصه بین‌الملل حرفی برای گفتن داشته باشد (Shinichi and Marie, 2003: 61).

علاوه بر این مقامات هند درک کرده بودند که روش‌های سنتی فاقد هر نوع کارایی در پیشرفت اقتصادی این کشور بودند و اتخاذ سیاست‌هایی همسو و هم‌جهت با قدرتهای بزرگ بین‌المللی ضروری است. از این رو هند به تدریج در برنامه‌ها و سیاست‌های خود به گونه‌ای پیش رفت که سیاست عمل‌گرایانه در بعد اقتصادی را آغاز کرد. در این راستا فضای اقتصادی و سیاسی حاکم بر کشور نیز به شدت تغییر پیدا کرد و ما شاهد هندی متفاوت از هند دوران نهرو بودیم (Shujiro ultra, 2010: 12).

مرحله نوین در روند سیاست‌گذاری‌های جدید هند از زمان نخست‌وزیر این کشور مان‌موهان سینگ آغاز گردید، وی اولویت اصلی در اقدامات اجرایی خود را توسعه اقتصادی کشور قرار داد. از این زمان هند درک کرد که برای ارتقاء جایگاه اقتصادی خود نیازمند برقراری پیوند و مناسباتی سازنده با جامعه بین‌المللی و استفاده از تکنولوژی، تجارب و منابع انرژی سایر کشورهای دیگر است.

بر این اساس هند سعی کرد تا روابط اقتصادی خود را با سایر کشورها به صورتی ترتیب دهد که هم در سطح منطقه‌ای و هم سطح بین‌المللی جایگاه عظیمی را کسب نماید. آنچه که هند در این راه می‌بایست مد نظر قرار می‌داد وجود رقبای بزرگی مانند چین بود که با اقدامات عمل‌گرایانه خود به سرعت در حال جلو حرکت بود.

به همین منظور هند ابتدا تلاش کرد تا ضمن توجه به اصول اولیه عمل‌گرایانه از طریق عضویت در نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای به گونه‌ای موثر به ایفای نقش خود در سطوح مختلف بپردازد. عضویت در صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی توسعه، درخواست صندلی دائم در شورای امنیت، فعالیت گسترده در آسه‌آن، شانگهای و غیره بخشی از فعالیت‌های هند در این باره بود (Ganguly & Mukhrej, 2011: 55).

در اصل حضور فعال در این سازمان‌ها بیشتر از هر زمان دیگری این فرصت را به هند می‌داد تا تغییر مواضع خود را به سایرین اعلام نماید و برای افزایش همکاری با سایر کشورها تلاش کند و از منابع و سایر امکانات این کشورها در جهت منافع خود حداکثر استفاده را ببرد (Armtrade.sipri.org, 2004).

شاید بتوان گفت که عمده تلاش‌های هند به منظور بهره‌گیری از پیوندهای دوستانه با ایالات متحده در سطح بین‌المللی بود هم‌چنین ایران نیز در سطح منطقه‌ای یکی از اولویت‌های سیاست خارجی این کشور مدنظر قرار گرفت. آزادسازی اقتصادی هند خود مبنایی برای رشد لیبرالیسم و فروپاشی اجماع نهرونیسم شد. هرش پانت معتقد است که تغییر ساختار نظام جهانی از دوقطبی به تک قطبی، آزادی عمل هند را نسبت به عصر دوقطبی محدود کرده و هند را ناگزیر از پیوند با آمریکا نموده است و موجب شده تا به رغم شعار هند مبنی بر عدم تعهد، این کشور آسیایی به آمریکا پیوند بخورد (Pant, 2012).

به این ترتیب افول اخلاق‌گرایی و رشد ملی‌گرایی هند، به همراه افزایش استفاده از اندیشه‌های لیبرالیستی و رشد واقع‌گرایی در روند سیاست خارجی این کشور زمینه را برای تغییر سیاست خارجی هند به صورت اساسی فراهم نمود. از منظر رئالیست‌ها تبدیل شدن هند به قدرتی بزرگ خواسته‌ای قابل انتظار و طبیعی بود و در این راستا به گسترش روابط سیاسی هند با ایالات متحده آمریکا خوشبین هستند (Varshney, 2014: 41).

بنابراین به طور کلی، تاریخ جدید سیاست خارجی هند را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: دوره اول: ۱۹۵۰-۱۹۹۰، دارای ماهیتی ارزشی و نمایندگی از کشورهای جهان سوم،

اجتناب از گرفتاری در رقابت ابرقدرت‌ها و دریافت کمک خارجی برای رفع نیاز میلیون‌ها فقیر در این کشور.

دوره دوم: ۱۹۹۱ تاکنون، توجه به منافع اقتصادی، واقع‌گرایی، عملگرایی، سیاست تعامل استراتژیک با کلیه بازیگران اصلی جهان و ایجاد محیط منطقه‌ای و بین‌المللی برای حفظ نرخ رشد بالای اقتصادی (فشارکی، ۱۳۹۰: ۶).

۳. جایگاه آمریکا در عملگرایی اقتصادی هند

اتخاذ سیاست عمل‌گرایانه هند موجب شده تا در سال‌های اخیر برقراری روابط گسترده با قدرت‌های بزرگ جهان با هدف تامین منافع ملی، در صدر اولویت‌های سیاست خارجی این کشور قرار بگیرد. این تغییر در سیاست خارجی هند موجب بهبود و گسترش روابط این کشور با آمریکا شده است. بر همین اساس می‌توان گفت که ظهور تروریسم و وقوع حادثه‌ی یازده سپتامبر به عنوان یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری روابط گسترده هند و آمریکا در دهه اخیر بوده است (Squassoni, 2006: 13).

بر این اساس ادغام در اقتصاد جهانی و استفاده حداکثری از ظرفیت نهادهای بین‌المللی در راستای توسعه کشور از جمله اولویت‌های اصلی سیاست عمل‌گرایی در عرصه بین‌الملل و در رابطه با آمریکا در نظر گرفته شده است. در سال‌های اخیر نیز در کنار سایر مسائل دیگر، دستیابی هند به فناوری هسته‌ای و به رسمیت شناخته شدن این فعالیت‌ها از طرف آمریکا و همکاری گسترده‌ی این کشور در این زمینه موجب شده تا سیاست‌های دهلی‌نو به دنبال همکاری با غرب در برابر کشورهای دیگری همچون پاکستان، افغانستان، چین و ... تا اندازه‌ی زیادی دچار تغییر شود.

باید گفت که هر دو کشور در زمینه‌های مختلفی همچون گسترش روابط اقتصادی، ثبات منطقه‌ای، نگرانی از گسترش تسلیحات هسته‌ای، امنیت و مبارزه با تروریسم، حفاظت از محیط زیست، کنترل انواع بیماری و ... به همکاری گسترده با یکدیگر پرداخته‌اند (Kohli, 2006: 21).

۴. جایگاه ایران در عملگرایی اقتصادی هند

از گذشته‌های بسیار دور هند و ایران به دلیل اشتراکات فرهنگی و تاریخی گسترده

روابط نزدیکی با یکدیگر داشته‌اند. در سال‌های اخیر نیز گسترش روابط در زمینه‌های مختلف موجب شده تا دو کشور به عنوان دو شریک استراتژیک بسیار مهم در قاره آسیا محسوب شوند (Bosworth, 2007: 13). به‌طور کلی بازنگری‌های اساسی در سیاست خارجی هر دو کشور پس از پایان جنگ سرد تغییراتی در عمل‌کرد و ارتباطات آن‌ها با یکدیگر به وجود آورد.

در سال‌های اخیر روی کار آمدن سیاست نگاه به شرق از جانب ایران در کنار تاکید مقامات هندی بر تعقیب سیاست عملگرایی در حوزه‌های مختلف و اولویت قائل شدن برای دستیابی به منابع اقتصادی موجب اهمیت یافتن منطقه‌ی آسیا و افزایش تعاملات اقتصادی در این منطقه برای هر دو کشور شد.

موقعیت و توانمندی‌های ایران به ویژه در زمینه انرژی و امنیت آن، ترانزیت و سایر موارد دیگر زمینه‌های مناسبی برای همکاری با هند فراهم آورده است (Kapur, 2007: 12). از طرف دیگر مطرح شدن هند به عنوان قدرتی نوظهور در منطقه‌ی جنوب آسیا جایگاه این کشور را در سیاست‌های جدید ایران به شدت پررنگ کرده است (خلیلی، ۱۳۹۲: ۱۲).

بنابراین امروزه بر خلاف گذشته روابط بین هند و ایران از حد مبادلات صرف در زمینه انرژی فراتر رفته و ابعاد گسترده‌تری به خود گرفته است. در کنار امنیت انرژی عواملی همچون وضعیت اقتصادی، مبارزه با طالبان و ثبات افغانستان و ثبات کشورهای آسیای میانه، چگونگی برخورد با پاکستان، تروریسم و ... بر گستره روابط دو کشور تاثیر گذار بوده است. دو دولت منافع مشترکی دارند و علیه نیروهای تجدیدنظر طلب غیردولتی در منطقه همکاری مشترک دو و چندجانبه دارند (Berlin, 2004: 11).

آنچه در ادامه مورد بررسی قرار می‌دهیم، چگونگی راهبرد موازنه‌گرایانه هند در تعاملات با آمریکا و ایران و بر سر موضوعاتی است که امروز هر یک از آنها به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های تامین‌کننده منافع هند محسوب می‌شوند.

۵. موازنه‌گرایی هند در زمینه‌ی مولفه‌های مشترک در رابطه با ایران و آمریکا
همانطور که در بخش‌های پیشین مطرح شد از ابتدای سال ۲۰۰۰ مولفه‌های مختلفی بر نوع روابط هند با ایران و آمریکا تاثیر گذاشت. در بین تمامی این مولفه‌ها،

سیاست عمل‌گرایانه هند بر ایجاد نوعی رابطه متوازن با ایران و آمریکا بوده است. در ادامه مصادیق موازنه‌گرایی هند را مطرح و بررسی خواهیم کرد.

۱-۵. تعقیب مذاکرات هسته‌ای ایران از سوی هند و آمریکا

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ایالات متحده و هند از یک هم‌گرایی در زمینه چالش‌های امنیتی برخوردار شدند. به همین منظور با این وجود در جولای سال ۲۰۰۵، بیانیه مشترکی بین هند و آمریکا امضا شد که جرج بوش حق هند را به منظور دستیابی به فناوری‌های پیشرفته هسته‌ای مانند سایر کشورهای قدرتمند به رسمیت شناخت و به مقامات هندی قول داد که در زمینه فعالیت‌های غیرنظامی هسته‌ای هند با این کشور همکاری‌های گسترده‌ای انجام دهد (ثاقب، ۱۳۹۲: ۶).

مطرح‌شدن این بیانیه درست زمانی بود که ایران دستیابی به فناوری هسته‌ای خود را رسماً اعلام کرده بود و غرب و کشورهای غربی از این موضوع چندان رضایت خاطر نداشتند. به همین خاطر ایران به همکاری و همراهی کشورهای قدرتمندی همچون هند در حوزه آسیا نیاز داشت در حالی که امضای بیانیه مشترک بین هند و آمریکا به عنوان یک مانع بزرگ در همراهی برنامه هسته‌ای ایران توسط هند به حساب آمد.

پس از این هند با آمریکا در امضای توافقنامه‌های آژانس به منظور اعمال تحریم علیه برنامه هسته‌ای ایران همکاری نمود با این وجود در این سه دوره تحریم‌های بین‌المللی هند ضمن امضای تحریم‌ها و همراهی با آمریکا همواره سعی کرد تا رابطه خود با ایران را در زمینه مختلف حفظ نماید (Armitage, 2010: 45).

بر اساس باور سیاستمداران هندی همکاری و برقراری روابط استراتژیک و دوستانه با ایران به منظور حفظ ثبات و امنیت منطقه ضروری بود، چرا که به اعتقاد آنها ایران می‌توانست بهترین و امن‌ترین منطقه از لحاظ تامین انرژی هند باشد (Kumuraswami, 2007: 629). به همین منظور پس از سومین رای علیه برنامه هسته‌ای ایران وزیر امور خارجه هند، مجدداً به منظور رفع ابهامات و نشان دادن حسن نیت خود در برقراری و حفظ رابطه با ایران در ۱۸ می ۲۰۱۰ به مناسبت نشست جی ۱۵ به تهران سفر کرد و تاکید کرد که هند نمی‌خواهد هیچ‌گونه انحرافی در روابط با ایران ایجاد شود و نظرات خود را در مورد تحولات گسترده دوجانبه، چندجانبه و بین‌المللی در رابطه با ایران مطرح کرد.

۱-۵. مبادلات انرژی ایران و هند در سال‌های تحریم

با وجود اقدامات هند در زمینه‌های همراهی با اعمال تحریم‌های نفتی ایران از سوی آمریکا، این کشور سیاست خاصی را در این سال‌ها به منظور ادامه تعاملات نفتی خود با ایران ادامه داد به این ترتیب که هند در سال‌های تحریم آمریکا علیه ایران به منظور اینکه بازارهای امن خرید انرژی خود از جمهوری اسلامی ایران را به رقیب تجاری‌اش یعنی چین نسپارد، ضمن همراهی کردن با آمریکا در بحث تحریم‌های اعمال شده علیه ایران، تلاش کرد تا همچنان به عنوان یکی از متقاضیان اصلی خرید منابع نفتی و انرژی ایران به شمار آید. به این ترتیب هند تلاش کرد تا حتی اگر میزان مبادلات نفتی‌اش از ایران به پایین‌ترین حد ممکن می‌رسد، ولی باز هم تعاملات تجاری‌اش را با این کشور ادامه دهد (Bensidoun, 2009: 13).

مقامات هندی می‌دانستند که در صورت قطع کامل روابط نفتی و ارتباطات تجاری خود با ایران و همراهی کردن با تحریم‌های اعمال شده علیه این کشور به دلیل دلخوری که از سوی مقامات ایرانی نسبت به اقدامات هند ایجاد شده بود، به زودی جایگاه خود را در خاورمیانه از دست می‌دادند و از این طریق موقعیت منطقه‌ای خود را تا اندازه زیادی ناامن می‌کردند.

به همین خاطر در این دوران هند نفت تحریم‌شده ایران را کمتر از میزان قبل اما همچنان خریداری می‌کرد با این تفاوت که تمامی پول‌های صادرات نفتی ایران از طریق بانک‌های اروپایی، آلمانی و هندی پرداخت می‌شد و این عمل موجب شده بود تا هزینه پرداخت شده بابت نفت ایران در برابر منابع صادر شده به هند به شدت کاهش پیدا نماید. در نهایت نیز روپیه هندی در برابر صادرات نفتی ایران به این کشور پرداخت می‌شد. در اصل با وجود اینکه عربستان در آن سال‌ها به حمایت از سیاست‌های آمریکا به خوبی نفت هند را تامین می‌کرد اما مقامات هندی تلاش می‌کردند تا مانع فشار بیش از اندازه مقامات آمریکایی به این کشور برای محدود کردن ایران شوند و نقش موازنه‌گری خود را حفظ نمایند.

۲-۱-۵. موضوع افغانستان

افغانستان یکی از کشورهایی است که در سال‌های اخیر، روابط هند با آمریکا و

ایران را تحت تاثیر قرار داده هر سه کشور به گونه‌ای از برقراری ثبات در این کشور حمایت کرده‌اند. هند در ابتدا موافقت خود را با حمله آمریکا به افغانستان به عنوان محور اصلی حملات تروریستی اعلام کرد، به این خاطر پایگاه هوایی خود در افغانستان را برای جلب حمایت بیشتر آمریکا در اختیار این کشور قرار داد، اما با پیشرفت روزافزون این کشور در زمینه‌های مختلف و فرسایشی شدن جنگ و حضور آمریکا در افغانستان، به طور غیررسمی سیاستی مستقل از آمریکا در برابر این منطقه اتخاذ نمود و بیشتر همکاری‌های گسترده‌ی خود در این منطقه را با ایران آغاز نمود (Kronstadt, 2013: 87). در این زمینه پروژه‌های مختلف بازسازی مانند جاده زرنج-دلارام با همکاری ایران، بازسازی بند سلما در هرات و ساختمان جدید پارلمان را در افغانستان را با هدف اطمینان دادن به ایران برای همکاری در سر موضوع افغانستان دنبال نمود. اجرای این پروژه توسط ایران و هند تا حد گسترده‌ای تجارت و ترانزیت منطقه‌ای را افزایش خواهد داد و هند در تلاش است تا با همکاری گسترده با ایران و رضایت آمریکا این پروژه را به سرانجام برساند.

الف) پروژه زرنج-دلارام

جاده زرنج و دلارام به عنوان بخشی که هرات و کابل را از طریق وزیرستان در شمال و قندهار در جنوب به هم متصل می‌کند، یکی دیگر از نقاط وصل مشترک ایران و هند در افغانستان به شمار می‌رود که موجب نگرانی پاکستان و تلاش این کشور برای کم‌رنگ‌تر کردن هر چه بیشتر حضور هند در افغانستان بوده است.

اجرای این پروژه توسط ایران و هند تا حد گسترده‌ای تجارت و ترانزیت منطقه‌ای را افزایش خواهد داد. در حال حاضر نیز رقابت بین دو بندر چابهار برای هند و گوادر برای پاکستان و چین جدی شده است و این مسئله جایگاه ایران را پررنگ‌تر خواهد نمود (Kumar, 2013: 23).

هند در این رابطه با اطمینان دادن اولیه به آمریکا برای مبارزه تروریسم و طالبان القاعده، موضع خود را به موضع آمریکا در بحث‌های امنیتی این کشور نزدیک کرد، از طرف دیگر تلاش نمود تا با تخریب بسیاری از اقدامات پاکستان در افغانستان، جایگاه این کشور را نزد آمریکا مخدوش نماید.

پس از اطمینان کامل از این موضوع که اقداماتش در افغانستان به کلی در جهت مبارزه با تروریسم و حمایت از منافع آمریکا است، تلاش کرد تا از موقعیت به وجود آمده و حضور در این کشور استفاده مفیدی به عمل آورد و به همین خاطر بود که تصمیم خود را برای گسترش و ساخت و ساز پروژه زرنج-دلارام به همراه ایران در اولویت قرار داد. (Kronstadt, 2011: 120)

هم‌اکنون هند به خوبی می‌داند، مقامات آمریکایی دیر و یا زود از افغانستان خارج می‌شوند و این حضور ایران است که می‌تواند با تعاملات خود با هند و فعالیت‌های عمرانی‌اش در افغانستان آینده خوبی را برای مبادلات ترانزیتی هند فراهم آورد.

۳-۱-۵. موضوع پاکستان

حادثه ۱۱ سپتامبر بهترین فرصت را برای هند جهت منزوی ساختن پاکستان در مقابل غرب فراهم ساخت و این کشور توانست تا پاکستان را به عنوان یک دولت با فعالیت‌های تروریستی بسیار خطرناک معرفی و از این طریق بتواند حمایت بیشتری از جانب آمریکا به دست آورد

به‌طور کلی در دهه اخیر سیاست هند در برابر پاکستان به این صورت بوده است تا با محاصره این کشور و تحت حمایت‌های آمریکا از حضور نیروهای پاکستانی در منطقه افغانستان بکاهد و همین‌طور مانع شکل‌گیری یک دولت رادیکال در منطقه که برای امنیت منافع ملی هند خطرناک باشد، بشود (James, 2005: 12). از طرفی دیگر توجه به این نکته حائز اهمیت است که شبکه‌های نظامی و اطلاعات‌رسانی پاکستان به اندازه‌ای قوی هستند که آمریکا و هند نمی‌توانند به راحتی آنها را نادیده بگیرند.

هند در این سال‌ها ضمن همکاری و حمایت از سیاست‌های آمریکا در پاکستان در چندین موارد گسترده با ایران نیز همکاری داشته است. هر دو کشور نگران نفوذ وهابیت و رشد گروه‌های سنی‌گرا در افغانستان و پاکستان هستند. گروه کاری مشترک هند و ایران نیز به منظور مقابله با همین تهدیدات در سال ۲۰۰۳ توافقات گسترده‌ای انجام دادند و به دنبال آن گروه کاری مشترک دیگری به منظور مقابله با قاچاق مواد مخدر و اسلحه در پاکستان و افغانستان به وجود آوردند (کاظم‌پور، ۱۳۹۰: ۱۹).

۴-۱-۵. احداث خط لوله صلح؛ موافقت ایران و مخالفت آمریکا

احداث خط لوله صلح هند و ایران به عنوان یکی از عظیم‌ترین پروژه‌های گازی بین دو کشور محسوب می‌شود و صادرکنندگان اقتصادی هند بر این باورند که خط لوله صلح ایران، هند، پاکستان به عنوان بهترین وسیله برای ارتقا روابط دو کشور در زمینه انرژی خواهد بود. بر اساس توافقنامه ایجاد خط لوله صلح، ایران متعهد می‌شد که به مدت ۲۵ سال با قیمت توافقی بین هند و پاکستان، سالانه ۵ میلیون تن گاز به این دو کشور ارسال کند (Verma, 2007: 125).

ساخت این خط لوله که با توافق اولیه بین هند و پاکستان و ایران از سال ۲۰۰۲ شروع شد، قرار بود در سال ۲۰۱۴ به بهره‌برداری برسد، اما در حال حاضر با کنار کشیدن هند از این پروژه و تعلل پاکستان در ساخت خط لوله در داخل این کشور در سال‌های اخیر، نیمه‌کاره رها شده است (سجادپور، ۱۳۹۰: ۱۳). هند با توجه به پیشرفت‌های اقتصادی خود و نیاز به تامین انرژی آسان به راحتی نمی‌تواند از اجرای پروژه‌ی خط لوله صلح بگذرد (Inderfurth, 2008: 10).

در جریان خط لوله صلح ایران، هند پاکستان اگرچه قرارداد این خط لوله به دلیل ممانعت آمریکا از فعالیت هند هنوز هم بسته نشده است، اما همین که هنوز به صورت رسمی خروج خود را از این قرارداد اعلام نکرده است، به خوبی نشان‌دهنده عملکرد معتدل این کشور در برابر ایران و آمریکا است (Fair, 2007: 146).

در حال حاضر هند از یک سو با توجه به همکاری‌های گسترده‌ای که با ایران دارد، تمایل به این دارد که پروژه خط لوله صلح به امضاء نهایی برسد تا هم منافع گسترده‌ای از این طریق به دست آورد و هم مانع همکاری گسترده صرف پاکستان و ایران در این پروژه بزرگ گردد (رحیمی، ۱۳۸۷: ۱۵). از طرف دیگر با فشارهای آمریکا در سال ۲۰۱۰ یک توافق‌نامه انتقال گاز چهارجانبه با پاکستان، افغانستان و ترکمنستان برای انتقال گاز طبیعی ترکمنستان به هند امضا کرد (بهرامی مقدم، ۱۳۹۴: ۲۵).

۵-۱-۵. رقابت با چین

چین به عنوان یک مسئله و معمای بزرگ در سیاست‌های آمریکا نسبت به هند است. در این زمینه دو نوع رقابت اصلی وجود دارد: ۱. رقابت بین چین و هند ۲. رقابت

بین هند و آمریکا. این موضوع قابل توجه است که هند و چین به رغم اختلاف نظرانی که دارند در بسیاری از زمینه‌ها و مسائل نیز وجه اشتراکاتی دارند؛ و هم آمریکا و هم ایران می‌توانند بیشترین تاثیر را در انتخاب سیاست‌ها و خط مشی این دو کشور بر جای گذارند (The Hindu, 2006).

از طرف دیگر روابط هند و ایران از یک سو و چین و ایران از سوی دیگر موجب شده تا هند علاوه بر توجه به سیاست‌های چینی آمریکا به سیاست‌های چینی ایران نیز توجه لازم را داشته باشد و در اساس در برهه‌های و زمان‌های مختلف از هر دو کشور امتیازاتی را برای رقابت با چین دریافت می‌کند.

هند نباید این نکته را فراموش کند که جدا از اهمیت رابطه چین با آمریکا رابطه این کشور با ایران نیز می‌تواند بسیاری از امتیازات را از این کشور سلب نماید و یا موجب ارتقاء جایگاه آن شود. چین در حال حاضر به سرعت در حال افزایش قدرت خود و بازتعریف موازنه قدرت در آسیاست و هر گونه بی‌توجهی هند به ایران در برابر آمریکا می‌تواند به عنوان یک برگ برنده برای مبادلات نفتی و انرژی چین با ایران محسوب شود (Bensidoun, 2009: 123).

علاوه بر این در جریان رقابت و همکاری هند با چین، هند ضمن اینکه توانسته است با بهبود روابط نسبی روابطش با چین و به گسترش روابط با ایران بپردازد و حمایت آمریکا را نیز به خود جلب نماید تا حدود زیادی تلاش کرده تا فضای پاکستان را برای افزایش ارتباطات با چین محدود نماید (بهرامی، ۱۳۹۴: ۱۳). در این زمینه هند با یک اقدام علاوه بر اینکه موازنه خوبی را بین ایران و آمریکا برقرار کرده است، توانسته چین را با خود همراه سازد و به مقابله با پاکستان بپردازد.

در ارتباط با آمریکا هند به خوبی بر این امر واقف است که سیاست نبرد علیه تروریسم و مهار چین بر اهمیت این کشور در نزد آمریکا افزوده است (بهرامی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۵). به طور کلی، باید به این مسئله اشاره کرد که هند در کوتاه‌مدت از ناحیه چین احساس خطر جدی نمی‌کند و معتقد است که مدرنیزه‌سازی نظامی چین در وضعیت کنونی، معطوف به تنگه تایوان، به عنوان معضل اساسی امنیتی، سرزمینی و حیثیتی آن می‌باشد، اما در درازمدت و به عنوان رقیب استراتژیک چین، منطقی است که برای مهار آن از هم اکنون به چاره‌جویی بیندیشد.

هند معتقد است که کمک چین به پاکستان به منظور ساخت بندر گوادر به عنوان یک ابزار مهم در دست چین است تا مانع پیشرفت و توسعه هند در آسیای جنوبی و امور جهانی شود و آن را «طرح شیطانی چین» معرفی کرده‌اند به همین خاطر است که در برابر پروژه همکاری چین و پاکستان بر پروژه همکاری هند و ایران تحت عنوان کریدور شمال جنوب تاکید دارد:

الف) کریدور شمال-جنوب

دو کشور ایران و هند در کنار روسیه در سال ۲۰۰۶ به منظور افزایش همکاری‌های تجاری خود به فکر اجرای پروژه کریدور شمال جنوب افتادند که توافقنامه آن را در سال ۲۰۰۰ اجرا کرده بودند. این کریدور امکان انتقال کالا از بندر بمبئی هند به بندر عباس در ایران و احتمالاً به بندر چابهار را فراهم می‌سازد، کالاها از طریق راه آهن به بندر دریای خزر منتقل می‌شود و از آن طریق به بندر دیگر در دریای خزر منتقل و از آنجا از طریق رودخانه ولگا به روسیه و شمال اروپا حمل می‌شود (Flemes, 2007: 23).

این کریدور سریع‌ترین راه ارتباطی میان غرب اروپا و آسیای شرقی است که جایگزین راه‌های طولانی گذشته خواهد شد. برآوردهای اخیر نشان می‌دهد که ارسال کالاها و تولیدات دو کشور ایران و هند به اروپا توسط این کریدور سه برابر سریع‌تر و آسان‌تر از زمان گذشته امکان‌پذیر خواهد شد و این مسیر تجاری هزینه‌های حمل و نقل را تا ۲۰ درصد و حتی بالاتر برای این سه کشور کاهش خواهد داد (Ramchandran, 2011: 45). هند بر ساخت و تکمیل این پروژه بیشتر از هر پروژه دیگری تاکید داشته و این به دلیل این است که سیاست‌های غربی در این پروژه به دلیل حضور روسیه نسبت به سیاست‌های اعمالی در پروژه خط لوله صلح کمتر خواهد بود. از طرف دیگر از طریق این پروژه هند می‌تواند با سرعت بیشتری به رقابت با چین در نقل و انتقالات کالاهای خود به آسیا و اروپا بپردازد (Balooch, 2009: 124).

بنابراین هم منافع اقتصادی و تجاری و هم منافع سیاسی این طرح برای هر دو کشور ایران و هند بسیار پررنگ و بااهمیت خواهد بود. علاوه بر این کریدور شمال جنوب به عنوان یک منطقه مهم برای حمل و نقل و ارتباطات بین‌المللی هشت کشور دیگر را به یکدیگر متصل می‌کند و به عنوان یک پل ارتباطی مهم برای اتصال قاره آسیا به اروپا است. در این زمینه مقامات هندی تلاش کرده‌اند تا حفظ روابط متوازن خود با آمریکا به

منظور عقب نماندن از بازارهای تجاری در برابر چین، در موضوع پاکستان و سایر مواردی که به نوعی با ایران اشتراک منافع دارد، به صورت متوازن رفتار نماید.

نتیجه

همان‌طور که در این مقاله بررسی شد هم‌زمان با تحول سیاست‌خارجی هند در سال‌های اخیر، این کشور عمل‌گرایی اقتصادی را در راس برنامه‌ها و اولویت‌های اجرایی خود قرار داده است. هند از این طریق تلاش کرده تا برقراری رابطه و همکاری با سایر قدرت‌ها و کشورها در بعد منطقه‌ای و جهانی را در راس منافع و اولویت‌های خود قرار دهد. به همین خاطر هند در تمامی این سال‌ها تلاش کرده تا ضمن گسترش روابط منفعت‌طلبانه خود با غرب در زمینه‌های گوناگون به گسترش روابط خود با ایران، به خصوص در زمینه امنیت انرژی نیز بپردازد. این تلاش هند با وجود اختلاف نظرات بین ایران و آمریکا همچنان به قوت خود باقی مانده است.

بنابراین تلاش برای برقراری روابط اقتصادی دفاعی نظامی هم‌زمان با دو کشور و همراهی با سیاست‌های هر دو طرف در سایر زمینه‌هایی که مورد اختلاف ایران و آمریکا بوده همچون سیاست‌های تسلیحاتی و هسته‌ای، بحران افغانستان و موضوع پاکستان و ... دال بر حاکم بودن اصل سیاست راهبرد موازنه‌گرایانه‌ی هند در تعامل با ایران و آمریکا بوده است. بر طبق مصادیق برآمده از مقاله، می‌توان گفت که روابط هند با ایران و به طور هم‌زمان با آمریکا در طی دهه‌ی اخیر مبتنی بر نوعی موازنه‌گرایی عمل‌گرایانه بوده است و هند تلاش کرده تا از طریق به کارگیری این راهبرد از هر فرصتی در ارتباط با ایران و آمریکا به نفع خود استفاده نماید.

به دنبال موضوعات مطرح شده در بررسی پژوهش حاضر، فرضیه اصلی این پژوهش نیز مورد پذیرش و تایید قرار می‌گیرد و هند به عنوان کشوری عمل‌گرا معرفی می‌شود که به خاطر تامین منافع و خواسته‌های خود در دهه اخیر تلاش کرده تا در زمینه‌های گوناگون توافقی با آمریکا در روابط خود با ایران و آمریکا برقرار نماید و سعی داشته تا به تقویت این سیاست بپردازد. هر چند نباید این نکته را از ذهن دور داشت که به دلیل سطوح و جایگاه متفاوت آمریکا و ایران در سطح منطقه و بین‌المللی و قدرت دو کشور در این عرصه، نمی‌توان از برقراری نوعی موازنه مطلق و توازن همسان در این رابطه صحبت کرد.*

کتابنامه

منابع فارسی

- احمدی فشارکی، حسنعلی. (۱۳۹۰). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و هند: حوزه‌های تعامل و تقابل»، **فصلنامه مطالعات جهان**، دوره ۴۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰، صفحه ۲۴۵-۲۶۴.
- بهرامی مقدم، سجاد. (۱۳۹۴). «تغییر سیاست خارجی هند: از جهان سوم‌گرایی به عمل‌گرایی اقتصادی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، ۴، صفحه ۱۶۱-۱۹۶.
- بهرامی مقدم، سجاد و امیر نیاکوئی. (۱۳۹۲). «روابط ایران و هند: فرصت‌ها و محدودیت‌ها»، **فصلنامه روابط خارجی**، ۱.
- تیشه‌یار، ماندانا. (۱۳۹۲). **دیپلماسی امنیت انرژی هندوستان و ژاپن در برابر ایران**. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار.
- ثاقب، حسن. (۱۳۹۲). **بررسی عملکرد تجاری ایران با هند**. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار.
- خلیلی، رضا. (۱۳۹۲). **ایران و هند: چهارچوبی برای درک روابط در حال توسعه**. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- دهقان، یدالله و مهدی کاظمی. (۱۳۹۰). **بررسی روابط ایران و هند در سایه ظهور هند به عنوان یک قدرت منطقه‌ای**. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- رحیمی، غلامعلی. (۱۳۸۷). «خط لوله صلح: فرصت‌ها و چالش‌ها»، **مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ۲۵۵ و ۲۵۶.
- سجادپور، محمدکاظم و مهرداد پهلوانی. (۱۳۹۱). «جایگاه جمهوری اسلامی ایران در روابط هند و ایالات متحده»، **پژوهشنامه سیاست بین‌الملل**، سال اول، شماره ۱، پاییز و زمستان.
- سجادپور، محمدکاظم و مانده کریمی قهرودی. (۱۳۹۰). **رقابت هسته‌ای هند و پاکستان و پیامدهای آن**

برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 شریعتی نیا، محسن. (۱۳۹۲). روابط ایران و هند: واکاوی نگاه هندی. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات
 و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
 کولایی، الهه و طیبه واعظی. (۱۳۹۱). «تحول سیاست خارجی و توسعه اقتصادی در هندوستان»،
 فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، بهار، شماره ۱.

منابع انگلیسی

- Afrasiabi, K. and A. Maleki. (2002). Iran's Foreign Policy After 11 September. *Brown J. World Aff.*
- Ahluwalia, M. S. (2002). Economic reforms in India since 1991: has gradualism worked?. *The Journal of Economic Perspectives*, 16 (3), pp. 67-88.
- Appadorai, A. (1949). India's foreign policy. *International Affairs (Royal Institute of International Affairs)*, 25 (1), pp. 37-46.
- Armitage, R. L, et al. (2010). Natural Allies: A Blueprint for the Future of US-India Relations, *Center for a New American Security*.
- Balooch, M. (2009). Iran and India's Cooperation in Central Asia. *China and Eurasia Forum Quarterly*.
- Barnes, T. J. (2008). American pragmatism: towards a geographical introduction. *Geoforum*, 39 (4), pp. 1542-1554.
- Bauer, H. and E. Brighi. (2009). *Pragmatism in International Relations*. Routledge.
- Bensidoun, I. et al. (2009). The integration of China and India into the world economy: a comparison. *The European Journal of Comparative Economics*, 6 (1), pp. 131-155.
- Berlin, D. L. (2004). India-Iran Relations: A Deepening Entente. *Asia-Pacific Center for Security Studies Special Assessment*.
- Bhat, T. (2011). *Structural changes in India's foreign trade*. Available at: http://isidev.nic.in/pdf/ICSSR_TPB.pdf, (Accessed on 2012, 17 September).
- Bosworth, B, et al. (2007). Sources of growth in the Indian economy, *National Bureau of Economic Research*.
- Brahmbhatt, M, et al. (1996). India in the global economy. *World Bank Policy Research*, Working Paper (1681).
- Campbell, P. L. (2011). *Peirce, pragmatism, and the right way of thinking*. Sandia National Laboratories: Albuquerque.
- Fair, C. C. (2007). India and Iran: New Delhi's Balancing Act. *Washington Quarterly*, 30 (3), pp. 145-159.
- Flemes, D. (2007). Emerging middle powers' soft balancing strategy, *state and*

perspectives of the IBSA Dialogue Forum.

- Ganguly, S. (2011). India's Role in Afghanistan. *CIDOB Policy Research Project, Sources of Tension in Afghanistan and Pakistan: A Regional Perspective*, Janvier 2012.
- Inderfurth, K. (2008). *US-India Relations. America's Role in Asia: Asian and American Views, Recommendations from Both Sides of the Asia Pacific*. Asia Foundation Report. New York: Asia Foundation.
- India, A. I. (2011). The United States and India: A Shared Strategic Future, *Council on Foreign Relations*.
- James, C. C. and Ö. Özdamar. (2005). Religion as a factor in ethnic conflict: Kashmir and Indian foreign policy. *Terrorism and Political Violence*, 17 (3), pp. 447-467.
- Joseph, M, et al. (2011). Indian Economy: Selected Methodological Advances. *Indian Council for Research on International Economic Relations*, New Delhi.
- Kapur, S. P. and S. Ganguly. (2007). *the transformation of US-India relations: an explanation for the rapprochement and prospects for the future*.
- Kohli, A. (1989). Politics of economic liberalization in India. *World Development*, 17 (3), pp. 305-328.
- Kronstadt, K. A, et al. (2011). India: Domestic Issues, Strategic Dynamics, and US Relations.
- Kronstadt, K. A. and S. Pinto. (2013). US-India Security Relations: Strategic Issues, *Congressional Research Service*, Library of Congress.
- Kumar, S. (2014). Media Industries in India: An Emerging Regional Framework. *Media Industries*, 1 (2).
- Miller, M. C. (2013). India's Feeble Foreign Policy: A Would-Be Great Power Resists its Own Rise. *Foreign Affairs*, 92 (14).
- Pant, H. V. (2007). A fine balance: India walks a tightrope between Iran and the United States. *Orbis*, 51 (3), pp. 495-509.
- (2009). A Rising India's Search for a Foreign Policy. *Orbis*, 53 (2), pp. 250-264.
- (2011). India's Changing Role. *Middle East Quarterly*, 18 (2), pp. 31.
- (2011). India's Relations with Iran: Much Ado about Nothing. *The Washington Quarterly*, 34 (1), pp. 61-74.
- Sutter, R. G, et al. (2013). Balancing Acts: The US Rebalance and Asia-Pacific Stability. *Sigur Center for Asian Studies*, George Washington University, 11.
- Squassoni, S. (2006). US Nuclear Cooperation With India, *Issues for Congress, DTIC Document*.
- Vyasulu, V. (2007). The Indian Economy Since Independence.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی